پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو زبان عربی و جریان‌های ادبی
سومین همایش علمی بین المللی پژوهش های علوم انسانی و اجتماعی و چالش های معرفتی
The Third International Scintific Conference for Human and Social Studies and Great Epistemological Challenges
دانشگاه فردوسی مشهد ۱۴۰۳

کاربرد سبک شناسی بلاغی در چکامه «یا دارمیّه» نابغه ذبیانی

فرزانه زارعی[۱]، هاشم دارافرین[۲]

۱. استاد مدعو گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد،ایران. (نویسنده مسؤول)[۱]

۲. دانشجو دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

چکیده

اصطلاح سبک‌شناسی در زبان‌شناسی و ادبیات از دیرباز موردتوجه پژوهشگران بوده است. سبک‌شناسی درسطح زبانی، محتوایی، بلاغی صورت می‌گیرد. هدف بنیادین سبک‌شناسی امروز شناخت ویژگی‌های ظاهری و درونی اثر و شناخت بافت درونی متن است. این جستار حاضر برآن است تا با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه‌بر معیارها و اصول سبک‌شناسی بلاغی به تحلیل و واکاوی چکامه دارمیهٔ نابغه ذبیانی می‌پردازد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد ازجمله مؤلفه‌های سبکی بلاغی که در این چکامه نمود یافته است عبارتنداز تشبیه، استعاره، میراث و تلمیح، کنایه و تصویرسازی دیداری و شنیداری است که از میان آن‌ها تشبیه و استعاره بسامد بلایی در این سروده داشته است. شاعر از تشبیه و استعاره بیشتر از سایر فنون بلاغی برای تصویرسازی و بیان مفاهیم موردنظر خود بهره گرفته است که نشانگر قدرت خیال شاعر در آفرینش ایماژهای ذهنی خود برای رسیدن به هدف موردنظر شاعر است. واکاوی و بررسی این چکامه نشان می‌دهد چینش واژگان و خلق تصویر همه در خدمت اندیشه و هدف نابغه ذبیانی است.

کلید واژه‌ها: سبک شناسی، زیبایی شناسی، تصویر سازی، نابغه ذ بیانی، یا دارمیّه.

۱_مقدمه

سبک‌شناسی ازجمله دانش‌های معرفتی زبان است که در قرن بیستم پیشرفت بسیاری داشته است و امروزه در بررسی‌های موضوعات مرتبط به دانش زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی کاربرد وسیعی پیداکرده است. سبک در حقیقت به معنای انتخاب و گزینش آگاهانه و ناآگاهانه از صورت‌ها و ساختارهای زبان است. «در این راستا بسیاری از زبان شناسان بر آن باورند که سبک شالوده‌ای از گزینش زبان است و با بافت کلام و تحت تأثیر عوامل بافتی گوناگون مانند ژانرمتن، زمان ومکان و فضای ارتباطی شکل می‌پذیرد و بر این اساس گزینش‌های زبانی که شاعر یا

۱-Email:. Farzaneh.zarei@alumni.um.ac.ir

نویسنده به آن دست می‌زند نه‌تنها ارادی و اختیاری نیستند؛ بله تحت تأثیر عوامل مختلف بافتی و روحی هستند؛ درنتیجه هر گزینش زبانی را می‌توان نشان‌گر یک سبک‌شناختی به شمار آورد و کار بنیادین آن بررسی نوع گزینش‌ها و علت ترجیح یکی از گزینه‌ها بر دیگران است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹).

نابغه ذبیانی شاعر برجسته ادبیات کلاسیک عربی است که به دلیل توانایی ویژه در تصویرسازی و ایماژآفرینی و جهان‌بینی خاص خود در زمره شاعران برجسته ادبیات عربی قرار گرفته است. قدرت شاعری او در چکامه‌ی زیبای دارمیهٔ در قالب ایماژهای برجسته ای که برای بیان مقاصدش آفریده است، مشهود و نمایان است. ازاین‌رو پژوهشگران این جستار برآنند تا از منظر سبک‌شناسی بلاغی و با تکیه‌بر دانش زبان‌شناسی، تصاویر و ایماژهای به‌کاررفته در این چکامه را در قالب های تشبیه، استعاره، نماد و غیره مورد واکاوی و تحلیل قرار دهند.

۱.۱.پیشینه پژوهش: درباره سبک‌شناسی در ادبیات فارسی و عربی آثاری ارزشمند نگاشته شده است که هریک به‌نوبه خود تلاش کرده‌اند تعریف ویژه‌ای از سبک‌شناسی را ارائه دهند ازجمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

جواد رنجبر و دیگران(۱٤۰۰) «سبک‌شناسی بلاغی و نحوی در سوره مبارکه حجر»،نشریه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم؛ نگارندگان در این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی بهره‌گیری از سبک‌شناسی در دولایه بلاغی و نحوی سوره مبارکه حجر را مورد واوی قرار قراردادند

احمد محمد نبی و دیگران(۱۳۹٦).«سبک‌شناسی بلاغی مجموعه شاهدهٔ قبر من رخام الکلمات» نشریه ادب عربی؛ پژوهشگران در این جستار به بررسی مؤلفه‌های سبک‌شناسی بلاغی در این مجموعه پرداخته‌اند. درزمینه نابغه ذبیانی آثار ذیل به رشته تحریر در آمده است

مقدسه کوچک زاده و دیگران(۱٤۰۱). «سبک شناسی لایه‌ای تذکرهٔ الاولیاء عطار در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی» نشریه کاوشنامه زبان وادبیات فارسی؛ نگارندگان در این پژوهش با تکیه روش تحلیلی- آماری برخی صفحات تذکرهٔ الاولیاء را در سه لایه واژگانی-نحوی–بلاغی بررسی کرده اند.

لیلی خلف ایوب سبحان(۲۰۱۵).«معلقة النابغة الذبياني: دراسة سيميائية» فيولوجي:سلسلة الدراسات الادبية اللغوية. نگارنده دراین جستار با تکیه بردانش نشانه‌شناسی به‌تفسیر واژگان می‌پردازد.

شایان ذکر است که تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه تحلیل و بررسی سبک شناسی بلاغی قصیده یا دارمیه نابغه ذبیانی از منظر دانش زبانشناختی انجام نگرفته است؛ از این رو جستار حاضر گامی نو در زمینه تحلیل ویژگی های سبک شناسی بلاغی در این چکامه به حساب می‌آید.

۲.۱.پرسش‌های بنیادین

نگارندگان برآن هستند تا در این مقاله به پاسخ پرسش های ذیل دست یابند

مهم ترین مؤلفه‌های سبک شناسی بلاغی در قصیده مورد مطالعه کدام هستند ؟

کدام مؤلفه بیشترین بسامد را در این سروده داسته است؟

۳.۱.فرضیه پژوهش

در دارمیه نابغه ذبیانی بلاغت و سبک‌شناسی شعری به خوبی باهم ترکیب شده‌اند و این چکامه به عنوان به عنوان یک اثر درخشان از نظر بلاغی و و زبانی به شمار می رود کاربست صنایعی بدیعی چون تشبیه، استعاره، نماد وغیره به شعر غنای معنایی و آوایی می بخشد. اوبا استفاده از صنایع بدیعی به خلق ایماژهایی دست یازد که نه تنها واقعیتهای بیرونی را توصیف کند ؛ بلکه به درون نگری هایی عاطفی و ذهنی شاعر نیز اشاره ادارد.

٤.۱. هدف پژوهش

از اهداف اصلی این مقاله شناسایی شناسایی و تحلیل مؤلفه های بلاغی مختلف در این چکامه می باشد و تلاش نگارندگان این جستار برآن است تا افزون بر شناسایی مؤلفهای بلاغی، نشان دهند که چگونه این ابزارها در خلق تصاویر زبانی، معنای عمیق‌تر و زیبایی شعر نقش دارند.

۵.۱. روش پژوهش

پژوهشگران این جستار برآنند تا با استفاده از روش توصیفی ـ تحلیلی به معرفی سبک شناسی و تصویر سازی و بررسی بازتاب جلوه ها و ویژگی های سبک شناسی بلاغی در چکامه یا دارمیه نابغه ذبیانی بپردازد. در این روش پس از پرداختن به تعریف سبک شناسی و ایماژ و کاربست آنها در ادبیات عربی، نگارندگان به شناسایی و تحلیل ابزارهای بلاغی می پردازند.

۲-مبانی نظری پژوهش

۲-۱. مفهوم سبک شناسی

درباره سبک و سبک شناسی تعاریف گوناگونی وجود دارد و اهل ادب و بلاغت از دیدگاه های مختلف درباه آن سخنوری کرده اند و از جنبه ها و موضوعات متفاوت آن را مورد بررسی قرار داده اند. محمد معین در فرهنگ فارسی در ذیل واژه سبک چنین آورده است: «سبک روشی است خاص که شاعر یا نویسنده ادراک و احساس خود را بیان می کند، طرز بیان ما فی الضمیر را سبک گویند» بنابراین، این واژه در گستره ادبیات به معنای طرز و شیوه است. (ضیف۱۳۹۳ :۲)«به طور کلی می توان گفت که سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می خورد، یک روح یا ویژگی های مشترک و متکرر در آثار کسی است.»(شمیسا، ۱۳۹۳ : ١٦)

بلاغیون سبک را تحت سه عنوان کلی زیر طبقه بندی کرد:

الف) نگرش خاص: سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوما در شیوه خاصی از بیان تجلی می کند به عبارت دیگر هر دید ویژه ای در زبان ویژه‌ای رخ نماید. لفظ و معنا دو روی یک سکه هستند و نمی توان آن ها را از هم جدا کرد به عبارت دیگر بین ذهن و زبان رابطه مستقیمی است بنابراین هر شیوه نگرشی به نحوی در جامه زبانی مخصوص جلوه گر می شود.سبک شیوه شخصی بیان است که مارا به سوی نویسنده هدایت می کند و از این جاست که برخی از سبک شناسان مدعی بوده اند که می توان از نوشته های سبک دار به درون ذهن و روان نویسندگان آن ها را جست. (همان : ۱۸-۲۲)

با توجه به تعاریف فوق میتوان در واقع نگرش و سبک خا همان اندیشه و طرز تفکر نویسنده و ادیب است که به او کمک می کند تا آنچه را در ذهن دارد به قلم آورد.

ب) گزینش : سبک محصول گزینش خاصی از واژه ها، تعابیر و عبارات است. نویسندگان مختلف برای بیان یک معنای واحد، تعابیر مختلفی دارند و از واژه ها و عبارات گوناگون استفاده می کنند و بدین ترتیب بین سبک آنها اختلاف است.(شمیسا،۱۳۹۳ : ٢٦).این تعریف از سبک شباهت به تعریف علم بیان دارد: ادای معنای واحد به طرق مختلف. بر طبق این تعریف سبک همان نحوه بیان است، و علمی که طرق مختلف ادای معنای واحد را بررسی می کند علم بیان است، با توجه به علم بیان می توان گفت که برخی شاعران استعاره گرا و برخی تشبیه گرا هستند و اساسا زبان برخی از شاعران به شدت تصویری یعنی دارای صناعات بدیعی و بیان است (همان : ۳۳-۳٤)

۲.۲.سبک شناسی بلاغی

مطالعات سطح بلاغی زبان سهم زیادی در شناخت سبک‌شناسی ادبی دارند. آنچه در ادبیات شعر مهم است، ادبیت متن و عبور از زبان به ادبیات از رهگذر کاربرد شگردهای بلاغی به‌ویژه زبان مجازی صورت می‌گیرد. این تمهیدات سبکی یعنی همان فنون و شگرد بلاغی در آفرینش و زیباسازی یک متن بسیارکارآمدهستند. این ابزارهای بلاغی در سطح موسیقی زبان، تصویرپردازی و تخیل و دلالت‌های مجازی واژگان و جملات با تکیه‌بر روش‌های تحلیل‌های بلاغی بازشناخته می‌شوند. بر این اساس می‌توانیم بگوییم لایه بلغی سبک زمیته اصلی تبلور فردیت زبان و شخصی سازی زبان است.(فتوحی،۱۳۹۰: ۳۰۳).زبان ادبی، تصویری است که به جای گفتن و روایت؛ به نمایش و نقاشی می پردازد، از ابزار های مهم نقاشی و نمایش در شعر تشبیه و استعاره و سایر ابزارهای بلاغی بهره می گیرد.

۳.۲.کاربرد هنری ایماژ در ادبیات و بلاغت

در شعر و ادبیات تصویرسازی نقش اساسی را بر عهده دارد و در علوم بلاغی به‌خصوص در تشبیه و استعاره بسیار پرکاربرد است. یکی از راه‌کارهای زیباسازی و مضمون‌پردازی در شعر محسوب می‌شود؛ ازاین‌رو نگارندگان به تعریف لغوی ایماژ یا تصویر می‌پردازند و سپس به جایگاه آن در بلاغت قدیم و جدید اشاره خواهند داشت.تصویرسازی عبارت است از کاربرد صناعات بلاغی برای بیان تصور و اندیشه انتزاعی در زبانی زنده، خلاق و ابداعی.

«ایماژ یکی از پرکاربردترین اصطلاح نقد ادبی که از دیرباز در بلاغت مطرح بوده است. در لغتنامه‌های انگلیسی به معنای (Image) آمده است آمده است و در نزد منتقدان و بلاغیون عرب واژه صورهٔ و تصویر را برای آن برابر یابی کرده‌اند؛ اما در نقد جدید ایماژ یا تصویر بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای خلاقانه و هنری زبان که از طریق خیال در زبان عادی به وجود می‌آید را شامل می‌شود» (فتوحی،۱۳۸۵: ٤١).

بر بنیاد این تعریف اغلب منتقدان جدید و بلاغیون تصویری گری نمایش و بیان تجربه حسی به‌وسیله زبان دانسته‌اند و ایماژ را تصویر حسی می‌دانند که در ذهن نقش می‌بندد بر این اساس ایماژ را تصویر درونی یا ذهنی می‌نامند.(همان :٤٣).تصویرسازی از شگردهای تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و دیگر صناعات معنوی بهره می‌گیرد که این آرایه ها عنصر اساسی شعر و شالوده کار شاعری به حساب میآیند. اهمیت ایماژ در شعر و به طور کلی در ادبیات به گونه ایست که دیوید دیچز می‌گوید:«سخنی که فقط افکار مجرد را بدون ایماژ به کاربندد، شعر نخواهد بود؛ بلکه فقط سند علمی است»(دیچز،١٣٦٦: ١٢). در علم بیان و بدیع تصویر و هر کدام ار آرایه ها باعنوان صنعت مستقل از ساخت کلی شعر تحلیل می شود این امر ناشی از این نگرش است که صناعات در خدمت معنا قرار دارد و تصویر تابع اندیشه شاعرانه است و نقش خدمتگذاری معنا را برعهده دارد و صناعات ادبی در حکم ابزارهایی هستند برای شرح و بیان و لباسی برای آراستن معنا از این رو،دو وظیفه اساسی را بر دوش می کشد.۱- توضیح معنا -۲ آرایش و زینت کلام.

با توجه به پیوند و ارتباط میان سبک، تصویر و صنعت می توان گفت که تصویر های بصری و توصیف های مربوط به حس بینایی عنصر مسلط تصویر گری در شعر قدیم جهان است شاعران عرب جاهلی و نیز شاعران سبک خراسانی در ایران، طبیعت و اشیاء را با کلمات نقاشی می کردند (فتوحی، ۱۳۸۵ : ۹۷)

۳-مضمون چکامه دارمیة

شاعر قصیده یا «دارمّیه» را که جزء معلقات به حساب می آید به عنوان اعتذار جهت عذر خواهی از نعمان بن منذر سروده است. کار نابغه در عذر خواهی از نعمان بسیار سخت بوده است زیرا او متهم به یک موضوع سیاسی و یا متهم درباره اطرافیان شاه نبوده است بلکه اتهام او متوجه نزدیکترین فرد به شرف و آبروی شاه یعنی همسرش بوده است؛ بنابراین نابغه با قدرت و نبوغ خود توانسته است که نظر نعمان را به خود جلب کند و پوزش او مورد پذیرش واقع شود. (نجیب عطوی،دت : ۱۳۱)

او در برابر منزل یار می ایستد تا با آن سخن بگوید امّا چون جوابی نمی شود آن جا را ترک می کند. آن گاه به توصیف شتر خود می پردازد و آن را به گاو نر وحشی تشبیه می کند که تندرو و سریع است که با باران و تگرگ مواجه می شود و با سرعت خود را به پناهگاه می‌رساند سپس با سگان شکارچی مانند یک قهرمان شجاع می جنگد و آن ها را شکست می‌دهد. شاعر پس از فراغت از این منظره به مدح و ستایش نعمان می پردازد؛ و از بخشش ها و وسعت قلمرو او سخن می گوید و نعمان را با حضرت سلیمان مقایسه می کند و به برخی از بخشش های او هم چون بخشیدن شتران نیرومند کنیزکان ناز پرورده و اسبان اصیل اشاره می کند.

نابغه از نعمان می خواهد که در مورد او قضاوت عجولانه نداشته باشد و مانند دختر زرقاء یمامه با انصاف و درست قضاوت کند او بار دیگر عذر خواهی خود را عرضه می کند و جهت تبرئه خود به کعبه و خون های ریخته شده بر روی سنگ های اطراف ان سوگند می خورد و سپس می گوید اگر سخن دشمنان درباره او درست باشد دستان او فلج و شل شود پس از این سوگند و نفرین درباره مدح و ستایش شاه را دنبال می کند و بخشش و لطف او را از رود فرات بهتر و بالاتر می پندارد و در پایان هم می گوید اگر عذر من پذیرفته نشود من انسان بد شانس و بدبختی هستم.(جمیل سلطان، ۱۹۷۱: ۲۰۹_۲۰۵)

٤_ کاربرد سبک شناسی بلاغی در چکامه دارمیة نابغه ذبیانی

٤.١. تشبیه

درمیان تصاویر شعری‌کهن، تشبیه و تمثیل از سایر سازه های بلاغی بسامد بیشتری دارند؛ زیرا ژرف ساخت یک تشبیه، ایماژ و تصویر است. در شعر کهن عرب تشبیه نیز رکن اصلی شعر است؛ زیرا تشبیه مناسب ترین روش برای مقصودی است که ذهن و نگرش سنتی از شعر و تصویر شعری میطلبد؛ از این رو نزدیک‌ترین و بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت نهایی است.

از مولّفه های سبکی پر تکرار نابغه در این قصیده تشبیه است. تشبیه کاربرد بسیاری در شعر جاهلی داشته است. «قدامه بن جعفر می گوید زیبا ترین تشبیه آن است که در وجه شبه اشتراک طرفین تشبیه در صفات بیشتر باشد تا جایی که این دو به درجه اتحاد و یکی بودن نزدیک شوند» (عتیق،دت: ۲۵۹) در یک تشبیه تمام تلاش ها برای بر کشیدن مشبه است؛ بنابراین سود حاصل از تشبیه نصیب مشبه می شود؛هدف تشبیه اثبات صفتی است از مشبه به در وجود مشبه(فتوحی، ۱۳۸۵ : ۹۰).

نابغه در این قصیده به زیبایی از تشبیه بهره برده است و از تصاویر قابل فهم در تشبیهات خود استفاده کرده است اینک به برررسی تشبیه در ادبیات قصیده پرداخته می شود :

اِلّا الأوارِيَّ لأياً ما أُبَيِّنُها والنوي كالحَوضِ بالمظلومة الجَلَدِ(ذبیانی ١٤٢٦ :٣٢)

شاعر(النوی) را که حفره‌ای در اطراف منزل است به (حوض) تشبیه کرده است و هر دو طرف تشبیه حسی و قابل درک هستند.شاعر از این تشبیه برای بیان شرایط و وضعیت دشوار و پر از رنج بهره گرفته است. جدایی او از محبوبش به منزله حوضی است که محصئر از درد و رنج است. النوی – الحوض – المظلومۀ والجلد همه این واژگان نشان از درد و رنجی همیشیگی دارد و از رنجی سخن می گوید که از درون شکافته نمی شود.

مقذوفة بدخيس النحص، بازلُها له صريف، صريف القعو بالمسد (همان:٣٣)

در اینجا صدای دندان نیش شتر (صریفُ بازل) به صدای چرخ چاه (صریف القعو) تشبیه شده است. به واسطه این تشبیه تصویر حرکت و قدرت باصدای قابل توجه و محکم که نمادی از استقامت و شدت است برای مخاطب متجلی می شود یعنی ایماژ شتری تنومن:

مِن وَحش وجرة موشي أكارعُه طاوي المصير كسيف الصيقل الفرد

درپاره گفتار طاوی المسیر کسیف الصیقل المفرد شاعر به واسطه تشبیه، ایماژ زیبایی برای تصویر سازی مفهوم قدرت در ذهن مخاطب می آفریند. در این تشبیه پشت حیوان مانندشمشیری صیقل خورده و یک دست است که هیچ انحنای اضافی ندارد و به شکل صاف و مستقیم به نظر می رسد ؛چنین شمشیری نماد قدرت و شجاعت است. شاعر از این تشبیه برای بزرگ نمایی ایماژ گاو وحشی بهره می گیرد و نابغه ذبیانی از ترکیب ویژگی حیوانات و سلاح برای نشان دادن قدرت، اقتدار و هیبت استفاده کرده است.

شك الفريصة بالمدرى فأنفذها طعن المبيطر إذ يشفي من العضد

كَاَنّهُ خارِجاً مِن جنب صَفحَتِه سَفّود شرب نسوه عند مفتأد(همان: ٣٤)

شاخ خونین و پر حرارت گاو به سیخ کباب که داغ و سرخ رنگ است تشبیه شده است. در واقع هدف او از کاربست این تشبیه محسوس آفرینش تصویری بصری و قابل لمس برای مخاطب روزگار خود می باشد.

اِلّا لمثلک أو من أنت سابقه سبق الجواد إذا استولی علی الأمد (همان :۳۵)

شاعر در این قطعه از اسب به عنوان نماد سرعت قدرت برتری استفاده کرده است تا ویژگی های نعمان توصیف کند در این جا هدف از این آفرینش تشبیه؛ دلجویی از نعمان بن منذر است شاعر از طریق این تصویر سازی از نعمان می خواهد که نسبت به او کینه نداشته باشد؛ بلکه باید با همت و هم ردیف خوش دشمنی و رقابت کند یا با کسی که از نظر مقام کمی از او پایین تر است بسان اسب پیش رویی که با اسب پشت سرش رقابت می کند. در این بخش از چکامه سبق الجواد و استولی علی الامد در قالب استعاره به موفقیت و پیروزی نعمان و تسلط او بر دیگران اشاره می کند

والخیل تزمع غرباً في أعنّتها کالطیر تنجو مِنَ الشوبوب ذي البرد(همان:١٤)

نابغه این تشبیه زیبا را در وصف اسب های اصیل و تندرو نعمان آورده است آنان را در سرعت به پرنده ای که از زیر باران همراه با تگرگ می گریزد تشبیه کرده است شاید به ظاهر هدف از این تشبیه ساده توصیف سرعت اسبان باشد اما شاعر ما با استفاده این ایماژ ساده می خواهد قدرت، سرعت و توان مقابله با سختی ها را نشان دهد اسب ها در مقطع نمادی از شعجاعت و اراده صاحبشان (نعمان هستند)که به سرعت و باد زیرکی از موانع عبور می کند. این تصاویر ذهنی به خواننده احساس شجاعت و توان مندی می‌دهد.هدف از این تصاویرسازی تاثیر گذاری بر ذهن خواننده و مخاطب است.شاعر در این مصرع با کاربست استعاره و تشبیه مفاهیم شجاعت و قدرت و زیرکی را به خوبی منتقل می کند در کنار این تبیه و استعاره ؛ صننعت مبالغه به ساخت این ایماژ کمک فراوانی می کند.

لاتقذفني برُکنٍ لا کفاءَ لَه وَإن تأثفک الأعداءُ بالرفدِ(همان: ۳۷)

نابغه در این بیت به زیبایی از تشبیه ضمنی استفاده کرده است و دشمنان را به اثافی که سنگ های اطراف و زیر دیگ هستند تشبیه کرده است و باعث شعله ور شدن آتش و در نتیجه داغ شدن دیگ می شود او در واقع نعمان را هم به دیگ تشبیه کرده است. او با استفاده از این ایماژ نعمان را از فریب سخنچینان هشدار می‌دهد.شاعر سعی کرده با خلق این تصاویر به شکلی تاثیر گذار پیام و عمیق و اخلاقی را به مخاطب منتقل سازد.

فما الفرات _ إذاجاشت غوار به تری اوازیه العبرین بالزبد

یوماً _ بأجوَدَ منه سیب نافلة وَلا یجول عطاء الیوم دون غدِ(همان:۳۷)

در این قطعه شاعر طغیان رود فرات را به بخشندگی نعمان تشبیه کرده است با بهره گیری از فرات که نماد زندگی برای عرب هاست ایمازی زنده و قوی از قدرت او و بخشندگی فروان او برای مخاطب ایجاد می نماید نابغه در این پاره گفتارهنر خود را به رخ می کشد و شاه نعمان را در بخشش از فرات هم بالا تر می داند او برای تکمیل تصویر خود از صنتعت ادبی مقابله همه بهره می گیرد مقابله میان زمان حال و آیندهد شاعر می گوید که بخشندگی امروز نعمان مانع از بخشندگی فردای او نمی شود این تضاد زمانی،نشان دهنده ویژگی بی وقفهو مداوم بخشش نعمان است که در هر زمان و بدون هیچ محدودیتی ادامه دارد. این مقابله به همراه این تشبیه تصویر یک بخشندگی دائمی و بدون نقصان در ذهن مخاطب به وجود می آورد رود فرات و طغیان آن به نوعی استعاره برای ترسیم شخصیت بخشنده نعمان است در اینجا طغیان فرات به جای اینکه صرفا پدیده طبیعی باشد نمادی است که شدت و قدرت بخشش نعمان را نشان می‌دهد.شاعر توانسته است با استفاده از این صنایع بلاغی، تصویری زنده و ماندگار از بخشندگی وقدرت و تداوم بخشش را ارائه دهد.

۲.٤. بررسی میراث گرایی در چکامه دارمیهٔ نابغه ذبیانی در قالب تلمیح

روایت گرایی و داستان سرایی از ویژگی های غالب سبک شعری نابغه ذبیانی است و او از این میراث کهن بسیار بهره گرفته است.تلمیح آن است که به مناسبت کلام به داستان، مثل، آیه، حدیث، شعر یا چیزی دیگر اشاره شود لازمه دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با کلامی است که به آن تلمیح می شود آوردن تلمیح برزیبایی کلام میافزاید؛ زیرا تناسب و رابطه ای میان مطلب و داستان و واقعه اصلی برقرار می سازد.(احمدی،۱۳۹٦ :۵). در تلمیح ایجاز هست؛ ایجازی که رساننده معنایی باشد از این رو از مولفه های بلغت و زیباسازی کلام به شمارمی آید در این سازه بلاغی ابهامی نهفته است که برای کشف آن، نیاز به دقت و تأمل است و آنگاه که کشف صورت گیرد؛ تلمیح زیباتر خواهد بود. در بخشی از این چکامه شاعر تلمیحی به روایت اسطوره نهفته در ادبیات شفاهی عربی داشته است. او از مضمون روایت اسطوره ای زرقاء یمامه برای هدف خود بهره می‌گیرد:

و أحكم كحكم فتاة الحَّى إذ نظرت إلى حمام شراع وارد الثمد(همان:۳۶)

يَـحُـفّـه جـانـبـاً نـيـق وتـتـبعه مثل الزجاجة لم تكحل مِنَ الرمد(همان: ۱۴).

نابغه ذبیانی بسیار زیرکانه ودرجای مناسب از این اسطوره و روایت اسطوره‌ای بهره می گیرد تا فکر نعمان به سوی آنچه خودش می‌خواهد جلب نماید نعمان همان زرقا یمامه گذشته است که تیز بین و ماهر و هدایت‌گر است و نظر صواب را از دروغ و افترا می‌تواند تشخیص دهد گرفتار مر کفریب سختنچینان نشود.

نماد های دینی در ادبیات آن دسته از عناصری هستند که شاعر یا نویسنده از گنجینه معارف دین و مذهب خاصی گرفته و به آن ها ماهیت نمادین می بخشد این نماد ها معمولا در میان پیروان یک آیین و مذهب پذیرفته شده است.(شمیسا، ۱۳۹۳ : ۱۹۲)

نماد اسطوره ای دیگری در این چکامه به کار رفته است ؛ لبد کذکس لقمان بن عاد است.

أضحَت خلاء وَ أضحى اَهلها احتملوا اَخنى عليها الّذي أخنى عَلَى لُبَد (ذبیانی،١٤٢٦: ٣٣)

لُبَد نام آخرین کرکس لقمان بن عاد است تعداد آن ها هفت عدد بود در داستان های عرب آمده است که لقمان بن عاد به مدت عمر هفت کرکس زندگی کرد و با مرگ آخرین کرکس یعنی لُبد، او نیز از دنیا رفت (البستانی، ۱۳۸۳ : ۲۱۳)شاعر با تلمیح به داستان لقمان بن عاد و هفت کرکسش و نابودی و مرگ او به خالی ماندن منزل یار و خرابی آن اشاره کرده است.افزون بر این واژه کرکس ادبیات عربی نماد منفی ویرانی و تخریب است بنابراین قرار رگرفتن این واژه در کنار واۀگان اضحی- خلاء و اخنی مفهوم مرگ و نیستی را متجلی می سازند.

نابغه ذبیانی در چکامه افزون بر کاربست نمادهای اسطوره ای از نمادهای دینی مانند سلیمان نبی برای مقاصد خویش بهره گرفته است.

وَلا اری فاعلاً في الناس لیشبهه وَ ما اُحاشي مِنَ الأقوام مِن اَحَد
اِلا سلیـــمـان إذ قـال الإلـه لـه قم فِي البـرية فاحددها عن الفند
وَخیس الجِنَّ اِنّی قد أذنتُ لهم یبنون تدمـر بـالـصـفاح والعَمَد(ذبیانی،١٤٢٦: ٣٤).

سلیمان نبی (ع) نه تنها درحکمت بلکه در قدرت و سلطه بر موجودات مختلف(جنیان) معروف است. شاعر از تشبیه نعمان به سلیمان نبی به دنبال برجسته سازی ویژگی‌های قدرت، سلطه، حکمت و عدالت است. این تشبیه و نماد به طور ضمنی به عضمت شخصیت نعمان و جایگاه برجسته اش اشاره دارد و هدف شاعر این تشبیه و هنجارگریزی تجلی قدرت و حکمت نعمان و جلب نظر اوست.

فلا لعمرالّذي مسحت کعبته وَ ما هریق عَلَى الأنصاب مِن جسد(همان:٣٦)

نابغه در این بیت به یکی از آیین مذهبی مرسوم در میان عرب ها اشاره کرده است. او برای باور پذیر کردن کلامش از سوگند بهره میگیرد.

٣.٤. کنایه تصویری

کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است؛ اما در اصطلاح سخنی است که دارای یک معنی نزدیک به ذهن و یک معنای باطنی و دور از ذهن باشد و تأکید کلام بروی معنای نهفته باطنی آن قرارگیرد. ازاین‌رو شفیعی کدکنی در تعریف کنایه می‌گوید: «کنایه یکی از صورت‌های بیانی پوشیده و اسلوب هنری گفتار است. کاربست زیباشناسی کنایه زمانی مشخص می‌گردد که

بدانیم بسیاری از معنای را اگر با زبان عادی بیان کنیم لذت‌بخش نیست گاه زشت جلوه می‌نماید؛ اما از رهگذر کنایه به اسلوبی مؤثر و دلکش راه یافت (کدکنی،۱۳۸۳: ۱٤۰-۱٤۱).

نابغه ذبیانی هم در این قصیده برای بیان هدفش از کنایه بهره جسته است :

مِن وحش وَجرة موشي أكارعه طاوي المصير كسيف الصيقل الفرد (ذبیانی،۱٤۲٦: ۳۳)

المصیر یعنی روده؛ طوی البطن یعنی شکم در اثر گرسنگی به‌کمر چسبیده و باریک‌شد(ابراهیم انس:۱۳۹٤ : ۱۲۱۹)؛ بنابراین منظور نابغه معنای ظاهری این عبارت نبوده است بلکه کنایه از لاغر میان بودن مرکب را اراده کرده است. نوع کنایه‌ای که در این مقطع از شعر به‌کاررفته است کنایه تصویری است کنایه ایست که معنای اولیه را دارد به دیگر سخن یعنی آن معنا در واقعیت بیرونی مصداق عینی دارد. ایمان در این نوع کنایات با کاربرد واژگان تصویری گزینش‌شده دارای مدلولی روشن و دارای مصداق عینی ساخته می‌شود.(ساره تقوایی و دیگران،۱٤۰۱: ۲٤٥). در این ایماژ شکم از گرسنگی به کمر چسبیده مصداق عینی لاغر بودن است.

ما قلت من سَّیءٍ مِمّا أتيت به إذا فلا رَفعت سوطی اِلَیّ يدي(ذبیانی،۱٤۲٦: ۳٦)

در عبارت «فلا رفعت سوطی اِلّی یدی» نابغه به کنایه خودش را نفرین می‌کند و می‌گوید دست من فلج و شل شود اگر من چنین حرفی گفته باشم. این پاره‌گفتار او در قالب نفرین نوعی کنایه تصویری است از توانایی انجام هیچ کاری را نداشته باشد.

اِلا مقالة أقوام شقيت بها كانت مقالتهم قرعا عَلَی الكبد (همان)

عبارت کانت مقالتهم قرعا عَلَی الکبد کنایه تصویری است از سوختن جگر و غم اندوه فراوان خوردن به خاطر نیرنگ و تهمت دشمنان.

إذا فعاقبني ربي معاقبة قرّت بها عين من ياتيک بالفند

عبارت: قرّت بها عین من یا تیک بالفند نوعی کنایه تصویری است از دشمن شاد شدن.

٤.٤. استعاره

استعاره یکی دیگر از آرایه های ادبی است که نابغه در قصیده آن را به کار برده است او در آغاز معلقه با خطاب قرار دادن منزل یار و استفاده از حرف ندای یا منزل ویرانه یار را به انسانی تشبیه کرده است که می تواند حرف بزند.

يا دارمية بـالعـيـا فالـسند أقوت وطال عليها سالف الأبد

وَقفت،فيها أصيلاً أسئلها عيّت جواباً،وما بالربع من أحد (همان:۳۲)

شاعر در این بیت از استعاره مکنیه و ایماژتشخیص و انسان نگاری استفاده کرده است. دارمیهٔ یا همان طلل معروف شعرجاهلی نماد و رمز غربت و نگرانی و حیرت است. در حقیقت این احساس غم و اندوه ناشی از غربت است. به‌طورکلی مکان در شعر جاهلی با زمان امتزاج یافته

است طلل یا دارمیهٔ نماد مکان گمشده و زمان گمشده است که شاعر جاهلی برآن است تا می‌توان برآن چنگ زند و از آن رها نشود (مصطفوی نیا و دیگران،۱۳۹۲: ۲۵۸). شاید به همین دلیل است شاعران جاهلی چون نابغه ذبیانی اشعار خود را با مقدمه طللی آغاز می‌کنند و به نوعی سرزمین محبوب خویش را آرمان‌شهر خود می‌پندارند.

نتیجه

برآیند نهایی پژوهش بررسی مؤلفه‌های سبک‌شناسی بلاغی و زبانی در چکامه دارمیهٔ حکایت از آن دارد:

این چکامه به دلیل استفاده ماهرانه از ابزارهای بلاغی چون تشبیه، استعاره،نماد، کنایه توانسته است به یکی از آثار برجسته در ادبیات کلاسیک عربی مطرح شود. این چکامه به دلیل ترکیب هنر زبانی و بلاغی با مفاهیم عمیق انسانی و عاطفی نه تنها در بعد فنی؛ بلکه ازنظر عاطفی و احساسی مخاطب را تحت تأثیر قرار داده است.شاعر با کاربست واژگانی کاملاً حسی و ملموس و آفرینش تصاویر دیداری و شنیدار متأثر از فرهنگ و ادبیات فولکلوریک عربی و استفاده ماهرانه از صنایع بلاغی مختلف توانسته است تصاویری زنده و پویا بیافریند. بررسی مؤلفه‌های مختلف سبک‌شناسی در این قصیده نشان می‌نهد، تصاویر شنیداری و دیداری این چکامه به‌قدری محرک و زنده است؛ گویا نابغه ذبیانی برای بالا بردن ادبیت متن خود درصدد ترسیم یک اثر هنری از طریق به کارگیری صنایع بلاغی است تا مخاطب خود را جذب نماید.

پیوست

زرقاء یمامه زنی از قبیله جدیس است که به داشتن چشمانی تیزبین شناخته بوده است. براساس این روایت دریکی از جنگ‌ها خبر هجوم دشمنان که خود را پشت درختان استتار کرده بودند، به قبیله خود می‌دهد کسی حرف او را باور نمی‌کند و او را دیوانه خطاب می‌کنند در نهایت دشمنان فرامی‌رسند و همه افراد قبیله به‌ویژه زرقا یمامه را می‌کشند(ملا ابراهیمی،نوشین بنی طبا،۱۳۹٦: ۱۰۱).

کتابنامه

- انس، ابراهیم (۱۳۹٤) معجم الوسط، ترجمه محمد بندر ریگی، چاپ پنجم، قم: احسان.
- البستانی، فواد افرام (۱۳۸۳) مجانی الحدیثه ج ۱، دارالفقه.
- دیچز، دیوید (۱۳٦٦).شیوه های نقد ادبی. ترجمه غلامحسین یوسفی و محمد تقی صدقیانی.تهران:علمی
- ذبیانی، نابغه(۱٤۲٦). دیوان نابغه ذبیانی.بیروت : دار المعارف.
- سلطان، جمیل (۱۹۷۱) النابغه الذبیانی، بیروت: دار الانوار.

- شفیعی کدکنی،محمدرضا(۱۳۸۳). صور خیال در شعر فارسی، چاپ نهم، تهران: آگله
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۳) کلیات سبک شناسی، چاپ چهارم، تهران : میترا.
- ضیف، شوقی (۱۳۸٤) هنر و سبک های شعر عربی، ترجمه مرضیه آباد، مشهد : دانشگاه فردوسی
- عبدالساتر، عباس (۱۹۸٤) شرح و تقدیم دیوان النابغه الذبیانی، بیروت : دار الکتب العلمیه.
- عتیق عبد العزیز،(د.ت). فی البلاغه العربیه، علم المعانی، البیان، البدیع، بیروت : دارالنهضة العربیة.
- عطوی، علی نجیب،(د.ت) النابغه الذبیانی شاعر المدح و الاعتذار،بیروت : دارالعلمیه.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر.تهران : سخن
- _____(۱۳۹۰).سبک شناسی نظریه ها. رویکردها و روش ها. تهران : سخن
- احمدی، محمد نبی (۱۳۹٦) سبک شناسی بلاغی مجموعه شاهده قبر من رخام الکلمات اثر یحیی سماوی، ادب عربی سال ۹ شماره ۱ بهار و تابستان
- تقوایی، ساره،جواد محمدزاده و بهروز قربان زاده(۱٤۰۱).«کاربردهای هنری و زیباشناسی کنایه های تصویری،خیالی و شعری در قرآن کریم فصلنامه علمی مطالعات فهم قرآن»،دوره ۱، شماره۱.صص۲۳۹-۲۵٦.
- ملاابراهیمی، عزت، نوشین بنی طبا (۱۳۹۶). «بررسی دلالتهاي معنایی قصیده «البکاء بین یدي زرقاء الیمامۀ» أمَل دُنقُل بر پایه نقد سبکشناسان».نشریه فصلنامه پژوهش های ادبی و بلاغی. سال پنجم شماره ۲۰. صص۹۱-۱۰٦.
- مصطفوی نیا،سید محمدرضی، محمود رضا توکلی محمدی،سیامک ظفری زاده (۱۳۹۲). «تحلیل مضامین و عناصر مشترک مقدمه های طللی در معلقات» ادب عربی، شماره ۱. دوره ۷. صص ۲٤۹-۲۷٤.